

بررسی رابطه اخلاق شهروندی و حقوق شهروندی در جامعه

خدانظر رحمت زهی^۱، نسترن شیرازی^۲، سوسن شهناوی^۳، مهناز شهناوی^۳، شهین خمیری^۳،
بهناز ریگی^۳

^۱ استاد دانشگاه فرهنگیان زاهدان.

^۲ کارشناس کارورزی دانشگاه فرهنگیان زاهدان.

^۳ دانشجویان کارشناسی رشته ی آموزش و پرورش ابتدایی دانشگاه آزاد واحد خاش.

نام نویسنده مسئول:

نسترن شیرازی

چکیده

اخلاق شهری و شهروندی اگرچه امروز به همراه مفاهیم مدرن و در قالبی نو به مخاطبان عرضه می‌شود اما اخلاق همیشه یک قلمروی مهم در زندگی اجتماعی و معرفتی هر فرد شناخته می‌شود و چه بسا حتی پیش از هر چیز یک وسیله تنظیم‌کننده در روابط اجتماعی انسان‌ها نیز تلقی شود، اخلاق در شکل اجتماعی‌اش یک ضرورت است. ایجاد، تحکیم و گسترش اخلاق اجتماعی به طور عام و اخلاق شهروندی به طور خاص، از جمله مسایل بسیار مهم و حیاتی در اداره بهینه جامعه در جهان معاصر محسوب می‌شود. وجود جامعه ای اخلاقی، مستلزم رعایت حقوق افراد و شهروندان است. در واقع، اگر در جامعه ای حقوق و خواسته های به حق شهروندان با بی اعتنائی نگریده شود، هرگز نمی توان انتظار اخلاقی بودن را از آن داشت. زیرا بدون وجود و رعایت حقوق شهروندان، امکان ایجاد جامعه ای اخلاقی نخواهد بود و با ایجاد جامعه ای اخلاقی، میتوانیم شاهد رعایت حقوق شهروندان به طور داوطلبانه از سوی دیگر شهروندان و رعایت این حقوق از سوی حاکمان باشیم. در جوامع مدرن که به عنوان جامعه مدنی شناخته میشوند، رعایت حقوق شهروندان و ایجاد عدالت از این طریق، اصلی اساسی و تغییرناپذیر است و رعایت این اصول به معنای برقراری جامعه اخلاقی نیز محسوب می شود؛ اما آنچه در این میان باید مورد توجه قرار بگیرد این است که برخلاف نظریه رالز، رعایت حقوق دیگران تنها به این منظور صورت نمی گیرد که انتظار داریم حقوق ما نیز رعایت شود، بلکه در بسیاری موارد، انسانها با نیاتی غایت گرایانه و کمالگرا، سعی دارند اخلاقی عمل کنند و این اخلاقی عمل کردن آنها، نه از سر اجبار و اضطرار بلکه از روی رضایت قلبی و داوطلبانه است. در گلزار اخلاق نیکو و مکارم اخلاقی، احتمال رویش خار و خاشاک و علف هرزه نیز وجود دارد و مدیران هشیار و آگاه جامعه اسلامی باید درصدد پیش گیری یا ریشه کنی آنها برآیند و با مراقبت کافی، طراوت و شادابی شکوفه های اخلاقی را پاس دارند. صفاتی چون خودمحوری، دورویی، تنگ نظری، تبعیض، انتقامجویی و بدزبانی، آفاتی هستند که شخصیت حقیقی و حقوقی مدیران و مردم را خدشه دار می سازد و به آنان آسیب می رساند.

واژگان کلیدی: اخلاق شهروندی، حقوق شهروندی، تعهد شهروندی، حقوق مدنی شهروندان.

مقدمه

امروزه شهرنشینی به شکل غالب و قطعی زندگی انسان‌ها بدل شده است. وجود برخی از آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی - فرهنگی در شهرهای ما تا حدی بالاتر از استانداردهای جهانی است و این امر نه فقط اسباب ناراحتی و عدم آسایش شهروندان در کوتاه‌مدت است، بلکه می‌تواند در درازمدت بر روند توسعه عمومی کشور و حتی بر سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... نیز تأثیر منفی بر جای بگذارد. اهمیت اخلاق و حقوق شهروندی به اندازه‌ای است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می‌کند و حتی برخی از کارشناسان بر این باورند که اگر در جامعه‌ای حقوق و اخلاق شهروندان نهادینه نشده باشد، رابطه مردم و حاکمیت دچار تزلزل می‌شود. با توجه به این نکات، ایجاد و نهادینه کردن اخلاق و حقوق شهروندی برای ما ضرورتی اساسی است. اخلاق و حقوق شهروندی یکی از ارکان‌های اصلی زندگی اجتماعی در همه جوامع شهری و روستایی است و با وجود ضوابط و قوانین متعدد در این خصوص باز هم شاهد وجود برخی آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی - فرهنگی هستیم که می‌تواند در درازمدت بر روند توسعه عمومی کشور و حتی بر سیاست‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و غیره تأثیر منفی بگذارد. یکی از عواملی که منجر به بداخلاقی‌های اجتماعی و نقض حقوق شهروندی می‌شود، نبود آموزش و فقر اطلاعاتی در جامعه است که کارشناسان این حوزه بر ورود جدی سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای آگاهی‌بخشی و آموزش مردم تأکید کرده‌اند. یکی از پایدارترین فرایندهای جامعه بشری فرایند شهرنشینی بوده که در سده بیستم شتاب بیشتری یافت و رشد آن در سده بیست و یکم به حدی رسید که پدیده‌ای تحت عنوان شهری شدن جهان به وجود آمد. قدمت و اهمیت شهرنشینی و عنایت صاحبان قدرت، اندیشمندان همه قرون و عصرها را واداشته تا بر جنبه‌های مختلف جسم و روح شهر درنگ کنند و بکوشند تا قانونمندی‌های زندگی را دریابند و بر پایه یافته‌های خود به طراحی و برنامه‌ریزی شهری دست یازند و برای مسائل و مشکلات شهر و شهرنشینی چاره‌جویی کنند، روی آوردن سیل‌وار آدمیان به شهرها، انبوهی و ازدحام جمعیت شهرها را با مشکلات متعددی نظیر زیست محیطی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی رو برو می‌سازد. پس ما اکنون شهری داریم با مسائل و مشکلات بسیار که چه بخواهیم و چه نخواهیم باید در آن زندگی کنیم، در واقع ما وارث معضلاتی هستیم که خود بر خود تحمیل نمودیم و گریزی از آن نیست. وجود معضله‌های بزرگ شهری مانند ترافیک، رعایت نکردن قوانین عبور و مرور و ... از سوی شهروندان علاوه بر گسترش زمینه‌های بی‌اعتمادی میان شهرنشینان در پاره‌ای مواقع میل به قانون‌گریزی را در جوامع دامن زده است. هر شهری در کنار ساخت فضاها و کالبد شهر، نیازمند برقراری روابط معقول بین محیط طبیعی و فیزیکی با وضع اجتماعی و فرهنگی است، به طور معمول ریشه بسیاری از بحران‌های بزرگ و زنجیره‌ای را باید در ضعف فرهنگ بومی و محله‌ای دنبال کرد خصوصاً شدن اوقات فراغت، کاهش ارتباط بین افراد و نبود زمان و فرصت کافی برای تخلیه ناشی از مشکلات در زندگی روزانه گسترش یافته و بر ایجاد تشدید بحران‌های شهری مؤثر واقع شده است. پس لازمه حل مسائل شهری و بحران‌ها، اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشینی است، دو مقوله‌ای که پایه و اساس پایداری و دوام شهر است. همه اجزای شهر باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبت اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل و نقل، کالبد شهر و کاربرهای شهری سعی کنند تعادل لازم را به وجود آورند. در حال حاضر از فناوری اطلاعات استفاده‌های مؤثری در زمینه‌های مختلف به خصوص معماری و شهرسازی می‌شود و اطلاعات مفیدی را در زمان کوتاه با صرف هزینه کم در اختیار شهروندان قرار می‌دهد. پس اولین گام در ارتقای فرهنگ شهرنشینی اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشیدن به شهروندان است. برای انجام این امر مهم، ارگان‌ها و نهادهای مربوطه با همکاری، تعاون و تعامل در تحقق آن سعی کنند و متناسب با شرایط و موقعیت اجتماعی و فردی، بهترین وسیله اطلاعاتی انتخاب و با کیفیت عالی در اختیار شهروندان قرار داده شود. به عنوان مثال طرح آموزش شهروندی با همکاری آموزش و پرورش می‌تواند در فراگیری فرهنگ شهرنشینی مؤثر واقع شود.

بیان مسئله

انسان‌ها برای ارضای نیازهای خود، با دیگران روابط اجتماعی دارند و این روابط با وجود پیچیدگی دارای انتظام و قاعده‌مندی است. در هر جامعه، انسان‌ها الگوهای عینی مربوط به رفتار اجتماعی را از عناصر و اجزای فرهنگ خود دریافت می‌دارند و هماهنگ با آن‌ها به برقراری روابط متقابل اجتماعی بین خود و واقعیات اجتماعی مبادرت می‌ورزند. این الگوهای عینی را هنجار گویند (علمی، ۱۳۸۵: ۵۲). هنجارهای اجتماعی، شیوه‌های رفتاری معینی است که در گروه یا جامعه متداول است و فرد در جریان زندگی خود آن را می‌آموزد، به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه آن را انجام دهند. در هر جامعه‌ای برای رعایت کردن و اجرای هنجارهای اجتماعی، قواعد عرفی و مدون وجود دارد. قواعد از طریق نظارت و کنترل اجتماعی صورت می‌گیرد (وئوقی و نیک‌خلق، ۱۳۸۳: ۱۹۹). یکی از هنجارهای اجتماعی که در تعیین و کنترل رفتار اجتماعی افراد و گروه‌ها نقش مهمی دارد، قوانین هستند. قوانین، هنجارهایی هستند که به صورت رسمی درآمده‌اند و ضمانت اجرایی دارند. در حقیقت، نوعی کنترل اجتماعی رسمی به حساب می‌آیند که موجد انسجام اجتماعی و ثبات جامعه‌اند (حاجی‌آقایی و عباسی، ۱۳۸۹: ۵۹) رعایت قانون و تعهدات اجتماعی (قانون‌گرایی) در هر جامعه سبب ایجاد استحکام و ثبات در

مناسبات و روابط اجتماعی بین فردی و برقراری آرامش و احساس امنیت جامعه می‌شود. عدم اجرای درست و کامل نظام حقوق رسمی و تعهدات (قانون‌گریزی) نیز بخشی از آسیب‌های اجتماعی است که می‌تواند ارکان سلامت روانی و اجتماعی جامعه را تهدید کند و موجب گسترش روحیه بی‌اعتمادی، سرخوردگی و یأس در جامعه شود (صداقت، ۱۳۸۴: ۴).

اهداف پژوهش

هدف اصلی

اخلاق شهروندی و رفتار شهروندان از متغیرها و عوامل بنیادین در گسترش سرمایه اجتماعی و به دنبال آن توسعه جوامع بشری است. مفهوم شهروندی و شهروندی از مفاهیمی است که از دیرباز تاکنون مطرح بوده و سیر تکامل خود را در ادوار و جوامع مختلف طی کرده است. پیشینه تاریخی و مفهومی مباحث نظری شهروندی به اندیشه سیاسی- اجتماعی افلاطون، سقراط و به‌ویژه ارسطو در کتاب سیاست در یونان باستان، رواقیون و فلاسفه مسیحی؛ به‌ویژه آگوستین و آکویناس در عصر رومیان و قرون وسطی و به صورت منسجم‌تر در اندیشه سیاسی- اجتماعی ماکیاولی، هابز، لاک، روسو، کانت و هگل در دوره رنسانس برمی‌گردد (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳: ۳۵).

اهداف جزئی

بررسی رابطه اخلاق شهروندی و حقوق شهروندی در جامعه

پیشینه بحث در مورداخلاق و حقوق شهروندی

جامعه مدنی از جمله واژه‌هایی است که گرچه تغییرات فراوانی را در گذر زمان به خود دیده است، اما قدمتی به طول تاریخ حیات بشری دارد. زیرا افراد جامعه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و برای ایجاد یک نظم اجتماعی به ناچار وظایفی بر عهده می‌گیرند، که موجب استحقاق حقوقی برای ایشان می‌گردد. گرچه برخی اندیشمندان برای جامعه هم وجود اعتباری قائل هستند (جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۱۲۵)، اما گروهی دیگر عقیده دارند که رابطه فرد و جامعه یا شهروندی و دولت رابطه کلی و فرد نیست، بلکه رابطه کل و جزء است، و هر یک از احاد جامعه اصالت دارند، و جامعه که به معنای مجموعه است، یک عنوان انتزاعی ذهنی است، و هیچ اصلیتی در ارزش‌ها و مسؤولیت‌های پیشین و پسین انسانها ندارد (پیروزمند، ۱۳۷۸، ص ۴۸) در هر حال باید گفت در این پژوهش در مورد اخلاق شهروندی و حقوق شهروندان در یک جامعه بحث می‌شود، اما حضور اراده یک ملت در برابر سایر ملل و اثرگذاری آن در شکل‌گیری تاریخ بشر، مطلب انکارناپذیری است، که با مطالعه تاریخ و رخدادهای کنونی جهان قابل لمس است. اصطلاح «حقوق بشر و شهروندی» نخستین بار در اعلامیه ۲۶ اوت ۱۷۸۹ فرانسه به کار رفت. این اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۱۷ ماده بود. در مقدمه اعلامیه آمده بود که تنها علت بدبختی‌های عمومی و فساد دولتها انکار یا فراموشی یا تحقیر حقوق انسانی مردم است. اگر با دید کلی به هدف‌ها و فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر و تعلیمات و پیام‌های اصلی ادیان الهی نگاه کنیم، خواهیم دید تعلیمات ادیان الهی خود نقش بسیار مؤثری در ترویج حقوق بشر داشته است. لذا در سیر تاریخی مباحث حقوق بشر باید بزرگترین سهم را به ادیان الهی داد. زیرا اصولاً ادیان الهی همواره در برابر ستمکاران و قدرتمندان غاصب و ناقض حقوق انسان ظهور کرده‌اند، در بعد تعلیمات اجتماعی نیز برای عدالت و تساوی حقوق انسانها و رفع تبعیضات نژادی و امتیازات طبقاتی مبارزه نموده‌اند. بنابراین تردیدی نیست که مفاهیم عالی انسانی از قبیل کرامت، شخصیت انسان، آزادی، مساوات و غیره، ریشه در تعلیم انبیای الهی دارد، و ادیان آسمانی کمک بزرگی به پیشرفت حقوق بشر کرده‌اند (مه‌پور، ۱۳۷۷، ص ۳۰۵ و ۳۰۷-۳۰۸).

مفهوم شهروندی

شهروندی همانطور که روشن است از مشتقات شهر است. شهروندی را قالب پیشرفته «شهروندی» می‌دانند. به باور برخی از کارشناسان، شهروندی هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسؤولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل نمایند به «شهروندی» ارتقاء یافته‌اند. مطالعه علمی شهروندی و فرهنگ آن از قرن ۱۹ شکل گرفته است. در زبان فارسی پسوند "وند" در اصطلاح شهروندی نوعی مالکیت را برای اهالی و ساکنان یک شهر به عنوان صاحب و مالک آن، بیان می‌کند. در حوزه فرهنگ شهروندی شهروندی شامل "مسؤولیت پذیری شهری، قانون مند بودن شهروندان، هنجار پذیری از الگوهای شهروندی" شده است، این خلدون در قالب "علم عمران" به بررسی پدیده شهروندی و شکل‌گیری فرهنگی آن اشاره می‌کند؛ هابز از نخستین نظریه پردازان سیاسی که در اندیشه‌های خود اشاره به فرهنگ شهروندی و بسط نظریه‌های مشارکت شهروندی می‌کند، و دیدگاه بدبینانه داشته است. در اندیشه مارشال در حوزه فرهنگ شهروندی، اشاره به سه نوع حقوق (مدنی- سیاسی- اجتماعی) شده، در اندیشه ترنر، حوزه فرهنگ شهروندی و شکل‌گیری آن اشاره به چهار منبع اساسی " هویت- حقوق- منابع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی- جماعت" شده است. پارسنز در حوزه شهروندی ابتدا تأکید بر حفظ

دموکراسی در آمریکا، و تأکید بر ارزش های فرهنگی ریشه دار جامعه و استمرار آن در حوزه زندگی اجتماعی شده است. پوپر تکیه بر هویت مدنی در قالب مفهوم فرهنگ شهروندی کرده است. در شکل گیری هویت فرهنگ شهروندی یکسری از نهاد های اجتماعی چون رسانه ها و مطبوعات، احزاب سیاسی و... با توجه به اهداف و کاربری هایشان در شهر اثر گذارند. در واقع غنای فرهنگ ایرانی در زمینه شهروندی از یک بار معنوی ویژه بر خوردارست، برای نمونه واژه "اهل" در فرهنگ ایرانی حاکی از سنخیت (هویت) شهروند با محل فرهنگ زندگی اش دارد. واژه "ساکن" نیز حکایت از روابط روانی شهروندان با محل زندگی خویش و نقش آنان دارد. امروزه در ایران پدیده شهروندی و فرهنگ آن در مطالعات علمی ما متأثر از جامعه مدنی (غرب) است و ما در تکامل فرهنگ شهروندی خود باید اشاره به تنظیم امور بر اساس مبانی و معیار های الگوی "ملی، منطقه ای و محلی" کنیم.

در تعریف شهروند می توان گفت که شهروند کسی است که حقوق فردی و جمعی خود را می شناسد و از آنها دفاع می کند، قانون را می شناسد و به آن عمل می کند و از طریق آن مطالبه می کند، از حقوق معینی برخوردار است. می داند که فرد دیگری هم حضور دارد و دفاع از حقوق او یعنی دفاع از حقوق خودش و فردی که در امور شهر مشارکت دارد. پس شهروند نه تنها به معنای سکونت در یک شهر به مدت مشخص که به معنای مجموعه ایی از آگاهی های حقوقی، فردی و اجتماعی است. عناصری نظیر هویت ملی و تعلقات اجتماعی- فرهنگی و مشارکت سیاسی از عناصر مهم در مفهوم شهروندی است ولی در یک جامعه مدنی حقوق یک فرد عبارتند از: "حقوق اساسی به معنای حقوق بنیادی شهروندان یک جامعه، حقوق سیاسی به معنای حق مشارکت در فرآیندهای سیاسی، حقوق اجتماعی که در برگیرنده حقوق اقتصادی و نیز حداقل استانداردهای زندگی در تسهیلات اجتماعی است."

حقوق ملت در قانون اساسی طی اصل های ۱۹ تا ۴۲ حقوق بنیادی تک تک افراد ملت ایران را چنین برمی شمرد: آنچه

می آید خلاصه ایی از متن اصول است بدون مخدوش شدن مفهوم آن):

۱. حق تساوی بدون در نظر گرفتن، رنگ، نژاد و زبان (اصل ۱۹)
۲. برابری زن و مرد تحت حمایت قانون (اصل ۲۰)
۳. رعایت حقوق زن بر اساس موازین اسلامی (اصل ۲۱)
۴. مصونیت حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل افراد (اصل ۲۲)
۵. ممنوعیت تفتیش عقاید (اصل ۲۳)
۶. آزادی نشریات و مطبوعات (اصل ۲۴)
۷. ممنوعیت هرگونه تجسس در نامه، مکالمات تلفن و مخابراتی... (اصل ۲۵)
۸. آزادی احزاب و جمعیت ها اعم از سیاسی و صنفی و دینی با رعایت احترام به اصول جمهوری اسلامی (اصل ۲۶)
۹. آزادی تجمعات و راه پیمایی ها (بدون حمل اسلحه) (اصل ۲۷)
۱۰. آزادی در انتخاب شغل (اصل ۲۸)
۱۱. برخورداری از تامین اجتماعی (اصل ۲۹)
۱۲. آموزش و پرورش رایگان (اصل ۳۰)
۱۳. داشتن مسکن مناسب (اصل ۳۱)
۱۴. ممنوعیت دستگیری بدون حکم قانونی، در صورت وجود حکم قانونی، تفهیم اتهام بلافاصله و به صورت کتبی باید انجام شود. (اصل ۳۲)
۱۵. ممنوعیت تبعید و یا اقامت اجباری بدون دلایل قانونی (اصل ۳۳)
۱۶. دادخواهی حق مسلم هر فرد است (اصل ۳۴)
۱۷. حق انتخاب وکیل (اصل ۳۵)
۱۸. حق اعمال مجازات تنها از سوی دادگاه و به حکم قانون (اصل ۳۶)
۱۹. اصل بر براءت است مگر عکس آن ثابت شود (اصل ۳۷)
۲۰. ممنوعیت هر گونه شکنجه (اصل ۳۸)
۲۱. ممنوعیت هتک حرمت متهمان (اصل ۳۹)
۲۲. اعمال حق نباید وسیله اضرار به دیگران و یا تجاوز به منافع عمومی گردد (اصل ۴۰)
۲۳. تابعیت ایرانی حق هر فرد ایرانی است (اصل ۴۱)
۲۴. اتباع خارجی می توانند به تابعیت ایرانی درآیند (اصل ۴۲)

مفهوم و منزلت شهروند

شهروندی نوعی حق است که از یک طرف توسط شهروندان و دولت به رسمیت شناخته شده و از سوی دیگر نوعی وظیفه است که همه آحاد جامعه نسبت به هم نوعان خود دارند: کسی که اهل یک شهر یا کشور باشد و از حقوق متعلق به آن برخوردار شود (امینی، ۱۳۷۷، ۳۴۹). مفهوم شهروندی در مسیر تطور تاریخ بشر، متحول شده و در دوران های مختلف تفکر سیاسی برداشت های خاصی از آن شده است. امروزه می توان شهروندی را وضعیتی دانست که اساس آن عضویت کامل فرد در اجتماع است و صاحبان این وضعیت، حقوق و تکالیف برابر دارند. از این جهت حقوق شهروندی در سه حوزه مطرح است: حقوق مدنی شهروندی، حقوق سیاسی شهروندی و حقوق اجتماعی شهروندی. اسلام به شهروند نگاه ویژه ای دارد؛ در واقع خداوند انسان را موجودی اجتماعی آفریده است که در اجتماع از همه مواهب بهره مند باشد: «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» و در عین حال که به حقوق و وظایف انسان نگاه همه جانبه ای دارد، کرامت و فضایل انسانی را عوامل مهم در جهت بازدارندگی از انحراف و یک اصل ضروری و عاملی مهم برای رشد، تعالی و سعادت شهروند جامعه اسلامی می داند.

چیستی اخلاق و اخلاق شهروندی

قبل از ذکر ویژگی های اخلاق شهروندی لازم است به توضیح اخلاق و جایگاه ممتاز آن در اندیشه عالمان و اندیشمندان داشته باشیم؛ «خُلُق» در لغت به معنای «صفت پایدار و راسخ»، یعنی ملکه و اخلاق بر مجموعه اینگونه صفات اطلاق می گردد. اخلاق، اختصاص به صفات نیکو و پسندیده نداشته و شامل صفات زشت و ناپسند نیز می شود؛ همان طور که بعضی انسان ها دارای خلق نیک سخاوتمند و برخی دیگر گرفتار خلق ناپسند بخل می باشند (مصباح، ۱۳۸۶، ۱۵). فروید در تعریف اخلاق می گوید: اخلاق محدود کردن غرایز به منظور پیشرفت تمدن است یعنی غرایز را باید در حیطه عقل محدود کرد تا به تمدن و اجتماع آسیبی وارد نیاید. ابن مسکویه در کتاب "تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق" می گوید: خلق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارها دعوت می کند بدون آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد. علامه طباطبایی در تعریف اخلاق می نویسد: اخلاق، ملکه نفسانی است که افعال به آسانی و بدون تأمل و درنگ از آن صادر می شود (نصر اصفهانی، ۴۶). اخلاق بنابه تعریف شایع آن، مشتمل بر فضائل و رذایلی است که بعد روحانی انسان را شکل می دهد و منشأ بروز رفتارهای متناسب با آن می شود (قربانی، ۱۳۵). با توجه به تعاریف ذکر شده، اخلاق مجموعه ای از صفات نفسانی و اعمال و رفتار اختیاری است که بستگی به خوب و بد آن و انجام پسندیده یا ناپسند آن، نقش بسیار مهمی در سعادت و رستگاری یا شقاوت افراد اجتماع و شهروندان دارد. بنابراین اخلاق شهروندی عبارت است از: مجموعه ای از مبانی و معیارها، بایدها و نبایدها و هنجارهایی که بر رفتار، اعمال، روابط و مناسبات اجتماعی شهروندان حاکم است و به لحاظ اهمیت از موضوعات مهم زندگی شهروندان محسوب می شود که با گذشت زمان و در نتیجه پیشرفت علوم و فناوری های جدید و ترویج فرهنگ های مختلف و نیز رشد شهر نشینی و آشکار شدن نیازهای جدید مادی و معنوی انسان، ضرورت آن بیشتر احساس می شود.

ضرورت تقویت و پویایی اخلاق شهروندی

ضرورت توجه به اصلاح اخلاق شهروندی، ضمن لزوم مضاعف در سطوح کارگزار و تصمیم ساز، منحصر به بخش خاص یا قشر بخصوصی از جامعه نیست، بلکه بازسازی، اصلاح و تکمیل اخلاق امری است که همه زوایای زندگی شهروندان و ساختار جامعه را در برمی گیرد. اما این ضرورت از نیمه دوم قرن بیستم به بعد مضاعف شده است؛ زیرا جوامع بشری در این دوران تحت تأثیر تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست خوش تحولات اساسی گشته و موجب پیامدهای گسترده ای از جمله گسترش رسانه در زندگی انسان ها، آگاهی و الگوپذیری از فرهنگ های مختلف، تولید، توزیع و مصرف کالاهای متنوع شده است. با این تحولات تغییرات عمیقی در سبک زندگی مردم به خصوص ساکنان شهرهای بزرگ به وجود آمد و هویت فرهنگی شهروندان را دست خوش تحول کرد، به خصوص فرایند جهانی شدن، طی دهه های اخیر که تحولات گسترده ای را در جامعه، فرهنگ و انسان معاصر ایجاد کرده است. بر این اساس و به تناسب پیچیدگی های خاص جوامع امروزی، ضرورت و اهمیت ارائه راهکارهای کارآمد در تقویت اخلاق، تزکیه نفس و اصلاح انسان ها و جوامع و نجات آنها به خوبی نمایان است؛ پیامد چنین اقدام مهم و سازنده ای موجب استقرار جامعه ای ارزشی و معنوی است که در آن همه شهروندان از نعمت نظم، امنیت، عدالت، رعایت حقوق طرفین، احسان، نوع دوستی و ترجیح مصالح عمومی و همه ارزش های انسانی در حد اعلا برخوردار باشند و زمینه تعالی و کمال انسانی و تقرب الهی تحقق یابد.

رابطه اخلاق شهروندی و انسان شناسی دینی

اولین نسخه اخلاقی، در ادیان الهی ارائه شده است؛ ادیان الهی راه سعادت و فلاح را پیش روی انسان نمایان ساخته اند. جامع ترین دستورالعمل اخلاقی را اسلام ارائه کرده است. اسلام به عنوان کامل ترین دین الهی، همه قواعد، سنت ها و مطلوب های لازم برای پاسخ گویی به نیازهای شهروندان را در درون خود دارد. در واقع دین مقدس اسلام سرشار از ظرافت ها در تبیین لزوم ارزش های والای انسانی و راه کارهای رفتاری و عملی در ابعاد مختلف اجتماعی و فعالیت های روزمره جامعه بشری است. به تعبیری آموزه های فرهنگ اسلامی آن چنان فراگیر و گسترده است که همه زوایا و ابعاد زندگی، آیین ها، سنت ها، عادات، عقاید، رفتار و اعمال شهروندان را پوشش میدهد. شهروند جامعه اسلامی با پیروی از آموزه های دینی و دستورات حیات بخش معنوی و متعالی دین مقدس اسلام شرایط مطلوب برای زندگی توأم با همه فضائل اخلاقی و ویژگی های ارزشی را پدید می آورد. از این رو هر قدر که شهروندان جامعه اسلامی بیشتر به اصول ارزشی و آموزه های دینی و اخلاقی پای بند و مقید باشند، بیشتر زمینه استکمال و رشد انسان ها فراهم می گردد و سعادت انسان ها تأمین می شود. وقتی که در اثر دوری از آلودگی، انحراف و گناه و پاک سازی درون میوه های ارزش های معنوی و کمالات انسانی در متن زندگی فرد و جامعه آشکار می شود و باطن و خوی انسان به زیورها و ارزش های والای اخلاقی آراسته می شود انسان مراحل سعادت و کمال را طی می کند (عبدوس، ۱۳۷۵، ۱۰).

مسئولیت های دولت

از جمله مسئولیت های دولت، خرج نمودن مالیات و عوارض دریافتی توسط بخش های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است:

- حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان: توسط پلیس، آتش نشانی، امداد در حوادث و بلاایای پیش بینی نشده، دادگاه و سامانه قضایی و نیروهای مسلح.
- بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان ها.
- آموزش: مدرسه ها و کتابخانه های عمومی.
- نگهداری، تعمیر و ساخت جاده ها، بزرگراه ها و خیابان ها و راه آهن.
- حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل ها و محیط زیست.
- حفاظت از پس اندازها، با بازرسی از بانک ها و ضمانت حساب های بانکی.
- کمک و جبران خسارات: در موارد پیش بینی نشده مانند سیل، زلزله و خشکسالی.

حقوق شهروندی در کشورهای گوناگون

حقوق شهروندی در ایران

به طور کلی حقوق شهروندی را می توان به مجموعه قواعد حاکم بر روابط اشخاص در جامعه ی شهری تعریف نمود. حقوق شهروندی جز حقوق ذاتی و فطری انسان ها است. تا قبل از این در ایران، شهروندی تنها از منظر شهر و شهرنشینی مطرح می گردید و شهروندی رابطه متقابل یک شهرنشین با شهر و مدیران شهری و شهرداری دیده می شد و حقوق شهروندی را در گرو تصویب نقشه جامع شهر می دیدند. اما استفاده از واژه شهروند و شهروندی یا حقوق شهروندی در سال های اخیر در میان حقوقدانان و مجامع قانونی و حقوقی دید جامعتری یافت. در سال ۸۳ قانونی با عنوان «احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» به تصویب مجلس رسید و به نام «بخشنامه حقوق شهروندی» در قوه قضائیه، دستور کار واحدها گردید. رئیس مهم این قانون درباره نحوه بازداشت و بازجویی و منع شکنجه و رفتار با متهمان توسط ضابطین و مجریان قضایی بود. هر چند در سال های اخیر واژه شهروند به جای تبعه در ایران به سرعت فراگیر شده و کاربرد عمومی پیدا کرده است اما برخی از صاحب نظران در امور مسائل حقوقی و زبانی هنوز هم به این عقیده اند که در جوامع چون ایران، تاجکستان و افغانستان که تا هنوز اختلاف سطح توسعه در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا خیلی بزرگ است، کاربرد این واژه به جای تبعه درحقیقت تبعیض در مقابل روستاییان به شمار خواهد رفت. زیرا به آن ها شاید این تصور داده شود که آن ها مانند شهر نشینان اتباع متساوی الحقوق کشور به شمار نمی روند. در ایران به کودکانی که یکی از والدین آن ها شهروند کشورهایمانند افغانستان و پاکستان باشد با مشکل شهروندی روبرو هستند. سالانه ۱۲ هزار دختر ایرانی با اتباع بیگانه ازدواج می کنند. به استناد آمارهای منتشرشده ۳۳ هزار فرزند حاصل از ازدواج دختران مشهد با اتباع بیگانه بدون شناسنامه هستند. قواعد تابعیت در قانون مدنی ایران آورده شده اند. جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی، در شماری از مواد خود به شرایط کسب تابعیت ایرانی، سلب تابعیت و بازگشت به تابعیت اختصاص

پیدا کرده‌است. ماده ۹۷۶ قانون مدنی کسانی را که ایرانی هستند برشمرد و ماده ۹۷۹ شرایطی را که بیگانگان می‌توانند به تابعیت ایرانی درآیند مقرر نموده‌است. ماده ۹۷۹ اعلام می‌دارد: «اشخاصی که دارای شرایط ذیل باشند می‌توانند تابعیت ایران را تحصیل کنند.

- ۱- به سن هجده سال تمام رسیده باشند.
- ۲- پنج سال اعم از متوالی یا متناوب در ایران ساکن بوده باشند.
- ۳- فراری از خدمت نظامی نباشند.
- ۴- در هیچ مملکتی به جنج مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشند. در مورد فقره دوم این ماده مدت اقامت در خارجه برای خدمت دولت ایران در حکم اقامت در خاک ایران است.

حقوق شهروندی در افغانستان

در قانون اساسی افغانستان از واژه تبعه استفاده شده‌است. از مهم‌ترین عوامل اخلاص در روند شهروندی در افغانستان معاصر، جنگ‌سالاری، و نژادپرستی و قوم‌گرایی) نام برده می‌شود. جنگ‌سالاری در ۲۵۰ سال اخیر تاریخ افغانستان مبنای جامعه بوده‌است و هر گروهی که قدرت نظامی بیشتر داشته‌است از قدرت سیاسی برخوردار می‌شده‌است.

حقوق شهروندی در ایالات متحده آمریکا

حقوق شهروندی و آزادی مردم ایالات متحده آمریکا در منشور حقوق ایالات متحده آمریکا که در سال ۱۷۹۱ (میلادی) به قانون اساسی آن کشور الحاق گردید، مشخص و حراست شده‌است. مهم‌ترین حقوق شهروندی در ایالات متحده آمریکا بر اساس این منشور عبارتند از:

- متمم یکم: آزادی مذهب و آزادی بیان
- متمم دوم: آزادی مالکیت و حمل اسلحه
- متمم سوم: حراست از مالکیت مسکن افراد در زمان صلح و جنگ
- متمم چهارم: حق امنیت جان، مسکن و مالکیت افراد در برابر تفتیش و توقیف
- متمم پنجم تا هشتم: دادرسی، محاکمه و مجازات عادلانه
- متمم نهم: منحصر نشدن حقوق و آزادی افراد به موارد بیان شده
- متمم دهم: محفوظ داشتن اختیاراتی که به موجب قانون اساسی به دولت فدرال اعطا نگردیده یا برای ایالت‌ها ممنوع نشده، برای ایالت‌ها یا مردم.
- متمم یازدهم: رعایت حقوق حرف زدن در چهار چوب قوانین مدنی

مسئولیت‌های اجتماعی

شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را جهت کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. شهروندان فعال با توجه به تخصص و استعداد خود در سازمانها و کمیته‌های محلی گوناگون نظیر انجمن اولیا و مربیان و سازمان‌های غیردولتی عضویت و فعالیت می‌کنند. شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی، هیات منصفه یا هیات‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه و همچنین یافتن مشکلات و راه‌حل آنها بسیار سودمند خواهد بود. صاحب نظران برین عقیده‌اند که اجتماعات محلی، و نهادهای مردم محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آنها در جوامع، نقش موثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا نمایند.

مسئولیت‌های فردی

رای دادن: حق رای در عین حالی که، از نظر بسیاری، از جمله مسئولیت‌های شهروندی محسوب می‌گردد اما در واقع یک امتیاز نیز می‌باشد. کسانی که رای نمی‌دهند در واقع صدایشان در دولت شنیده نمی‌شود. قبل از هر رای‌گیری، اطلاعات مربوط به موضوع یا نامزدها باید بصورت شفاف به اطلاع شهروندان برسد. خدمت در ارتش: در زمان جنگ، هر مردی که توانایی بدنی دارد، برای جنگ فراخوانده می‌شود. در زمان صلح نیز به صورت خدمت اجباری سربازی و یا داوطلبانه در نیروهای مسلح حاضر می‌شوند. احترام به قانون و حقوق دیگران: هر شهروندی می‌بایست از قوانین اجتماع، ایالت و کشوری که در آنجا زندگی می‌کند، پیروی کند. هر شهروندی می‌بایست به حقوق دیگران

احترام بگذارد. پرداخت مالیات: هر شهروندی موظف به پرداخت مالیات بر درآمد و دیگر عوارض قانونی بر اساس درستکاری و راستی و سرموقع می‌باشد.

مسئولیت‌های دولت

از جمله مسئولیت‌های دولت، خرج نمودن مالیات و عوارض دریافتی توسط بخش‌های دولتی جهت ارائه خدمات زیر، به شهروندان است: حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت شهروندان: توسط پلیس، آتش‌نشانی، امداد در حوادث و بلایای پیش بینی نشده، دادگاه و سامانه قضایی و نیروهای مسلح.

بهداشت و سلامتی: آب و غذای سالم، بازرسی از شیر و گوشت، نگهداری از بیمارستان‌ها. آموزش: مدرسه‌ها و کتابخانه‌های عمومی.

نگهداری، تعمیر و ساخت جاده‌ها، بزرگراه‌ها و خیابان‌ها و راه آهن.

حفاظت و نگهداری از منابع طبیعی، جنگل‌ها و محیط‌زیست.

حفاظت از پس‌اندازها، با بازرسی از بانک‌ها و ضمانت حساب‌های بانکی.

کمک و جبران خسارات: در موارد پیش بینی نشده مانند سیل، زلزله و خشکسالی.

فرهنگ شهروندی

فرهنگ شهروندی مجموعه‌ای از ارزشها، نگرش‌ها و قوانین مشترک بنیادی است که در بردارند احساس تعلق، تعهد و احترام به میراث مشترک، همچنین تشخیص حقوق و تعهدات شهروندی می‌باشد. این مفهوم نه تنها اشاره به یادگیری زندگی جمعی دارد، بلکه شامل کسب ارزشها، نگرشها، مهارت‌ها و وفاداری به تعهدات شهروندی است. موضوع کلیدی در فرهنگ شهروندی، کسب «سرمایه اجتماعی» است. سرمایه اجتماعی ظرفیت و استعداد تعامل و همکاری بین مردم و نهادها برای رسیدن به خیر جمعی است. از ویژگی‌های فرهنگ شهروندی، احساس تعلق، اعتماد و امید به آینده، عزت نفس و فروتنی، همکاری عمومی، دیدگاه باز، وحدت سنت و مدرنیته می‌باشد. فرهنگ شهروندی نقطه تلاقی و ماحصل حاکمیت خوب (در عرصه دولت) سازمان کارا (در عرصه عمومی) و شهروند فعال (در عرصه خصوصی) می‌باشد. به عبارتی فرهنگ شهروندی ایجاد نمی‌شود مگر با تعامل و ارتباط این سه بخش. به طور کلی فرهنگ شهروندی مستلزم دو نوع حرکت از «بالا به پایین» و از «پایین به بالا» می‌باشد. حرکت از «پایین به بالا» همان مشارکت، مسولیت‌پذیری و مبارزه اجتماعی برای تحقق حقوق است. شهروندان باید برای استیفای حقوق خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی قدم بگذارند و حرکت از «بالا به پایین» مستلزم کاهش تصدی‌گری دولت و کاستن از تسلب ساختارهای خود می‌باشد و از یک نظام بسته به سوی یک نظام باز حرکت کند. به عبارتی دولت این اجازه را به افراد، احزاب، گروهها و طبقات مختلف جامعه بدهد تا بتوانند در عرصه عمومی حضور پیدا کنند. در جامعه سنتی فرد داراری ارزش و هویت جمعی است. اما در جامعه مدنی فرد یا شهروند دارای هویت فردی مستقلی است که به خاطر فردیت او دارای ارزش فطری است و روابط افراد با یکدیگر یک رابطه قراردادی است که بر مبنای آن همه افراد جامعه صرف نظر از موقعیت و شان خود دارای حقوق، آزادی‌ها و مسولیت‌های یکسانی در برابر قانون هستند. در این عرصه وجود شهروندان مشارکت‌جو و فعال برای تحقق فرهنگ شهروندی اهمیت بسیاری دارد به ویژه از این نظر که شهروندی یک حق است و نه یک امتیاز. شهروند انسان آزاد و مختاری است که فقط در میان جمع زندگی نمی‌کند، بلکه جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد که انواع روابط و پیوندها را به هم دارند. بر این اساس شهروند به دو دسته فعال و منفعل تقسیم می‌شوند. شهروند منفعل همان است که هابرماس «عضویت دریافت شده» می‌نامد. در این معنا شهروند از وضعیت حقوق تعریف شده‌ای برخوردار است و مشارکت چندانی در نهادها، روابط و رویه‌هایی که تضمین‌کننده ثبات آن وضعیت است ندارد. شهروند فعال از دیدگاه هابرماس «عضویت کسب شده» می‌باشد. در این معنا شهروندی مستلزم مشارکت فعال و جذب شدن فرد در جامعه‌ای است که هویت او را می‌سازد. شهروند خوب و فعال مشخص‌کننده افرادی است که به طور کامل در تعهدات عضویتی درگیر هستند.

شهروند و حقوق شهروندی

یک شهروند یک عضو رسمی یک شهر، ایالت یا کشور است. این دیدگاه، حقوق و مسولیت‌هایی را به شهروند یاد آور میشود که در قانون پیش بینی و تدوین شده‌است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود مقرراتی است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی، سیاسی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. از این رو از دید شهری موضوع حقوق شهروندی، روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و اصول و هدفها و وظایف و روش انجام آن است. همچنین نحوه اداره امور شهر و کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر است که می‌توان بعنوان مهمترین اصولی بدانیم که منشعب از حقوق اساسی کشور است. در واقع حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف

و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تامین آن حقوق بر عهدهٔ مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، «حقوق شهروندی» اطلاق می‌شود.

شهروندی پویا

شهروندی اشاره به زندگی روزمره، فعالیت‌های فردی و کسب و کار افراد اجتماع و همچنین فعالیت‌های اجتماعی ایشان دارد و به طور کلی مجموعه‌ای از رفتار و اعمال افراد است. شهروندی پویا یا شهروندی فعال در واقع از این نگرش برخاسته‌است. شهروندی از این منظر، مجموعه گسترده‌ای از فعالیت‌های فردی و اجتماعی است. فعالیت‌هایی که اگرچه فردی باشند اما برآیند آنها به پیشرفت وضعیت اجتماعی کمک خواهد کرد. همچنین است مشارکت‌های اقتصادی، خدمات عمومی، فعالیت‌های داوطلبانه و دیگر فعالیت‌های اجتماعی که در بهبود وضعیت زندگی همه شهروندان موثر خواهد افتاد. در واقع این نگاه ضمن اشاره به حقوق شهروندی مدون و قانونی در نگاه کلی‌تر به رفتارهای اجتماعی و اخلاقی می‌پردازد که اجتماع از شهروندان خود انتظار دارد. دریافت این مفاهیم شهروندی نیازمند فضایی مناسب برای گفت‌وگو و مشارکت مردم با نقطه نظرات متفاوت و نظارت عمومی است.

آموزش شهروندی

آموزش شهروندان وظیفه ظرفیت‌سازی و توانمندسازی آن‌ها را میسر می‌کند؛ یعنی این که شهروندان بیاموزند که فقط نباید اعتراض کنند بلکه فضا آماده است که خودشان مشکل و راه برطرف کردن آن را بیابند. در یک جمع‌بندی کلی باید گفته شود در همه کشورهای در حال توسعه، آموزش را کلید پیشرفت فردی و عامل اصلی توسعه اقتصادی و اجتماعی در نظر بگیرند. آن چه که مشخص است نظام آموزش در جامعه شهری در اشکال رسمی و غیر رسمی به عنوان محوری‌ترین اصل با مشکلات زیادی مواجه است از جمله: عدم وجود جامعیت در آموزش، فقدان راهکارهای جلب مشارکت شهروندی، مشخص نکردن حقوق و تکالیف، وظایف متقابل شهروندان و شهرداری که دست‌اندرکاران امر آموزش را با پراکندگی و گسیختگی اهداف و مقاصد روبه‌رو کرده است. هدف اصلی از آموزش شهروندی، آماده‌سازی شهروندان برای ورود به زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. یک جامعه پویا به شهروندان فعال متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی خود نیاز دارد. آموزش شهروندی عملاً به عنوان وسیله‌ای برای پرورش احساس تعلق به جامعه و داشتن هدفی در زندگی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. آموزش شهروندی به طور غیر رسمی در خانه یا محل کار یا کارگاه‌های آموزشی و یا به طور رسمی به صورت سرفصل درسی مجزا در مدارس و حتی مدارس ابتدایی و یا به صورت رشته تحصیلی دانشگاهی در واقع به شهروندان می‌آموزد که چگونه یک شهروند فعال، آگاه و مسئولیت پذیر باشند. در واقع مبنای این آموزش‌ها پرورش یک شهروند نمونه یا شهروند خوب یا ارائه یک الگوی شهروندی نیست بلکه به آنان می‌آموزد که چگونه تصمیمات خود را با توجه به مسئولیت‌هایشان در قبال اجتماع و زندگی فردی خود اتخاذ نمایند. تربیت شهروندی، یکی از فروع شهروندی است که باتوجه به تحولات سریع اجتماعی، فن‌آوری و سیاسی دوران معاصر، از جمله دلمشغولی‌های برنامه‌ریزان و سیاستگذاران تعلیم و تربیت کشورهای جهان به شمار می‌آید. در کشورهای توسعه یافته مفاهیم شهروندی از دوران کودکی تا نوجوانی آموزش داده می‌شود و دولت نیز آموزش‌های لازم را در اختیار والدین و معلمان قرار می‌دهد. در انگلیس از سال ۲۰۰۲ میلادی، آموزش شهروندی و آشنایی با آن به طور رسمی در برنامه درسی مدارس از سنین ۱۱ تا ۱۶ سالگی قرار گرفت. اهداف این آموزش‌ها به طور عمومی موارد ذیل است:

آشنایی با حقوق و مسئولیت‌های شهروندی

بحث و بررسی درباره سرفصلها و موضوعات مهم شهروندی
فهم و شناخت جامعه و آشنایی با فعالیت‌های اجتماعی
مشارکت فعال در یک برنامه اجتماعی یا گروهی
حقوق مصرف کننده

شکل‌گیری هویت فرهنگ شهروندی

در حوزه شکل‌گیری هویت فرهنگی، این پدیده به خودی خود بر اساس تجمع افراد در کنار یکدیگر بوجود نمی‌آید. نهاد های اجتماعی چون "رسانه ها و مطبوعات، تأمین اجتماعی، انتخابات، انجمن های داوطلبانه مردمی در سطح ملی، منطقه ای و محلی، مدیریت شهری، آموزش

و پرورش، نهاد های فرهنگی، سازمان های جامعه (با توجه به کارکرد هایشان)، مراکز و موسسات دینی، احزاب سیاسی و... " در شکل گیری ابعاد مختلف فرهنگ شهروندی با توجه به فعالیت هایشان در شهر اثر گذارند. پایبندی به اخلاق و سلوک شهروندی، در واقع نوعی تمرین دموکراسی است که در فرهنگ شهروندی باید به آن اهمیت بسیاری داد. در واقع این تمرین مشارکتی و مردم سالارانه با اطرافیان و اعضای نهاد های مدنی و انجمن های داوطلبانه و... شکل می گیرد؛ تا افراد در نهادهای مدنی و انجمن های داوطلبانه به عضویت در نیابند و مشارکت نداشته باشند، رفتار های مردم سالارانه هویت فرهنگ شهروندی شکل نمی گیرد، حتی لازمه تحقق دموکراسی در سطح حاکمیت نظام اجتماعی از طریق مشارکت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی شهروندان در انجمن های داوطلبانه شکل می گیرد. شهروندی فرهنگی این است که در درجه اول حضور مستمر شهروندانی که با او متمایز هستند را در یک مجموعه شهری بپذیرد؛ و با حقوق و تکالیف خود نسبت به سایر شهروندان جامعه آشنا شود؛ و برای کسب آن مبارزه کند. از قواعد اجتماعی پیروی کند، و منافع جمعی را بر منافع و علایق فردی ترجیح دهد. هنگامی که چنین شهروندی نسبت به اجتماع خود و امکانات عمومی احساس مسئولیت کند و در حفظ و استمرار آن کوشا باشند، و با دستگاه های اجرایی و بورکراسی حاکم بر جامعه همکاری و مشارکت نماید و از دولت و سازمان های رسمی جامعه توقع امور ناممکن را نخواهد، و در یک رقابت سالم با سایر شهروندان، توسعه ملی و شهری خود را مد نظر داشته باشد، و رفاه و تأمین اجتماعی خود را منوط به عمل سایرین نداند، و با نژادها و اقلیت های مدنی همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد، و فاصله اجتماعی خود را بدون طرد و تحقیر شان با آن ها حفظ کند و... تا یک شهروند فرهنگی محسوب گردد. در مقابل وظایفی که برای شهروندان یک جامعه مدنی از بعد فرهنگی اشاره کردیم، حکومت که نماینده قدرت مدنی جامعه است و شهروندان جامعه قدرت خود را به آن تفویض کرده اند وظایفی دارد. «در برابر مسئولیت ها و تکالیفی که به عهده شهروندان می باشد، حکومت و سازمان های رسمی نیز به اجرای رعایت حقوق تعریف شده در قانون اساسی جامعه برای شهروندان ملزم می باشند. بخش از این حقوق به واسطه هویت انسانی که برای شهروندان قائل هستند شکل می گیرد، و بخش دیگر این حقوق به واسطه پیمان اجتماعی در قالب قانون اساسی و قوانین موضوعه آن وضع شده در نظر گرفته می شود. هیچ حکومتی نمی تواند حتی با وضع قوانین، حقوق مدنی و سیاسی افراد را نقض کنند، و حقوق اجتماعی آن ها که امروزه بخشی از حقوق شهروندی را تشکیل می دهد. به واسطه مالیات و عوارضی که شهروندان می پردازند، دولت را موظف به تأمین نیاز های شهروندان و امکانات رفاهی مناسب برای زندگی آن ها می کند. الزام دولت ها به رعایت این حقوق به نحوی است که امروزه از آنها به عنوان دولت رفاه یاد می شود. در حکومت هایی که مردم نه تنها در انتخاب حاکمان، بلکه در انتخاب نمایندگان شوراهای شهر و شهرداران نیز نقش دارند، مسئولیت حکومت و افراد انتخاب شده برای تأمین خواسته های مردم جدی تر و پررنگ تر است؛ زیرا حمایت و دوام مسئولیت آن ها بستگی به رضایت مردم دارد. به همین دلیل آنها بیش از آنکه خود را در برابر دستگاه سیاسی و نظام اداری کشور مسئول ببینند، در برابر مردم . افکار عمومی پاسخگو هستند.» (کوشا، ۱۳۸۷:۳۰)

نتیجه گیری

اخلاق و تعهد شهروندی فرآیندی است که باید آن را همچون هدفی اساسی در نظر گرفت و به صورتی تدریجی ایجاد کرد. این انتظار که اخلاق و فرهنگ به صورت خودکار و با تغییرات اساسی به وجود بیاید انتظاری کاملاً بیپایه است و نتیجه منفی آن انفعال و کنار گذاشتن اندیشه و ابتکار برای ایجاد و ساختن فرهنگ مزبور است. ما در کشوری زندگی می کنیم که فرهنگ و پیشینه تمدنی چند هزار ساله دارد و منابع برای کار در این حوزه بسیار زیاد است. اما باید اذعان کرد که کمتر به این منابع توجه شده و اگر هم مورد توجه قرار گرفته اند کمتر برای استخراج موارد کاربردی و تبدیل کردن آنها به راهکارهای قابل استفاده تلاش شده است. مهمترین منابع قابل استفاده برای ایجاد اخلاق شهروندی در کشور را می توان در دین، سنت، تنوع محلی، قومی و زبانی، اخلاق مدنی و اخلاق سیاسی یافت. با توجه به بررسی های انجام شده، به نظر می رسد که توصیف کمی و آماری از وضعیت حقوق شهروندی در ایران صورت نگرفته است، لذا نمی توان در این رابطه پا را فراتر از برخی گمانه زنی ها گذاشت و نظریه ای علمی بیان کرد. ولی با توجه به عزم دولت یازدهم مبنی بر تدوین منشور حقوق شهروندی و گماردن دستیار ویژه رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی، می توان امیدوار به توسعه حقوق شهروندی در ایران بود.

منابع و مراجع

- [۱] سخاوت، ج. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: انتشارات سمت.
- [۲] شربتیان، م. (۱۳۸۷). «تأملی بر مبانی فرهنگ شهروندی و ارائه راهکارهایی برای گسترش آن»، فصلنامه فرهنگی- پژوهشی فرهنگ خراسان جنوبی، ش ۹ و ۸، سال دوم و سوم، صص ۱۱۹-۱۵۴.
- [۳] شیبانی، م. (۱۳۸۱). «تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره سوم، صص ۶۰-۸۰.
- [۴] صادقی‌نیا، آ. (۱۳۸۹). میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل اجتماعی- فرهنگی تأثیرگذار بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج.
- [۵] صداقت، ک. (۱۳۸۴). بررسی عوامل فرهنگی- اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی و قانون‌گریزی شهروندان شهر تبریز، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- [۶] صفائی‌پور و همکاران. (۱۳۹۰). «تحلیل و بررسی نقش مهاجرت در توسعه کالبدی- فضایی شهر یاسوج (طی سال‌های ۸۵-۱۳۴۵)»، فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال سوم، شماره چهارم، صص ۱۴۵-۱۵۸.
- [۷] علمی، م. (۱۳۸۵). «بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر قانون‌گرایی شهروندان تبریز»، فصلنامه علمی و پژوهشی علوم اجتماعی، سال دوم، شماره هفتم، صص ۵۱-۷۶.
- [۸] ثفاطمی‌نیا، س. (۱۳۸۶). «فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، ش ۲۶، صص ۳۵-۵۸.
- [۹] فرجاد، م. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی و کجروی‌های اجتماعی، تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات.
- [۱۰] کاظمی، ن. (۱۳۷۵). «یادگیری و مسؤولیت‌پذیری»، فصلنامه تربیت، سال اول، شماره سوم، صص ۱۰۴-۱۰۷.
- [۱۱] کیویستو، پ. (۱۳۷۸). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر محسنی، تهران: انتشارات نشر نی.
- [۱۲] گیل، د. و آدامز، ب. (۱۳۸۴). الفبای ارتباطات، ترجمه: رامین کریمیان و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای.
- [۱۳] معین، م. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- [۱۴] مک‌کوایل، د. (۱۳۸۵). نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه: پرویز اجلائی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه سازمان‌ها.
- [۱۵] ممتاز، ف. (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- [۱۶] خاکباز، محمود. (۱۳۶۸ ش.). حقوق متقابل مردم و حکومت از دیدگاه حضرت علی (ع). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم حدیث، دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد.
- [۱۷] شیخانی، ملیحه. (۱۳۸۲ ش.). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران. رساله دکتری جامعه‌شناسی. تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- [۱۸] عاملی، سعیدرضا. (۱۳۸۰). تعامل جهانی شدن. تهران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸.